

ch : 12

مترجم

Masih

کاری از تیم  
انیمه ساما

ادیتور

Misao

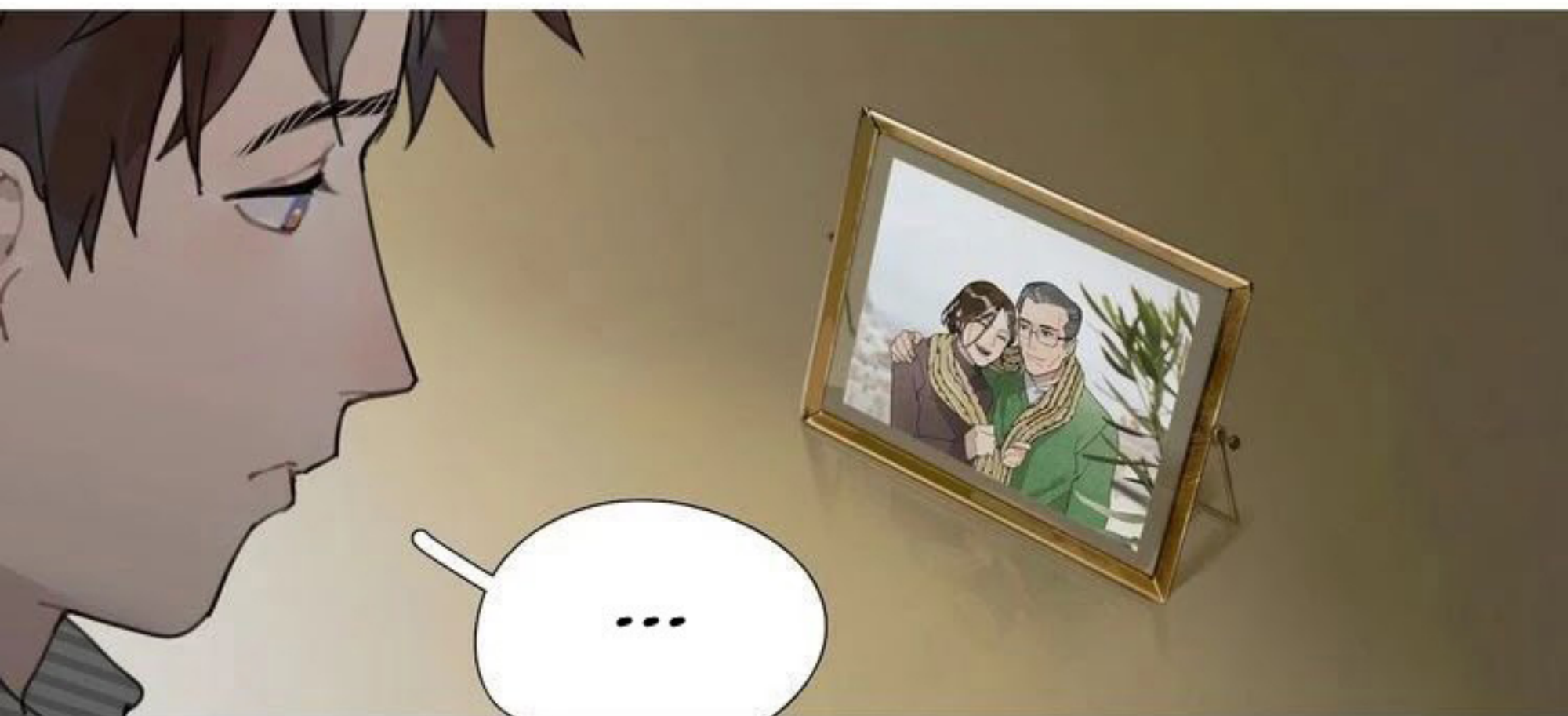
متاسفم،

شماره ای که با آن تماس  
گرفتید در دسترس نمی باشد

لطفاً چند لحظه صبر  
کنید



آخه اون  
بدجنس کجا  
غیبش زده؟



ون چن من قراره خیلی زود به  
یه سفر کاری دیگه برم. روت  
حساب می کنم به چند روزی  
مراقب چن سنگ باشی.

مشکلی نیست ، شیائو زه  
هم به یه همبازی نیاز داره.

شن این روزها حالش چطوره؟

دکتر گفت ممکنه اوتیسم باشه  
یا که ممکنه توهم دیداری یا  
شنیداری باشه

باید خونه عمو شو خوب رفتار  
کنی، مراقب شیائو زه هم باش ،  
باشه؟

همچین چیزاییو به بچه نگو،  
بذار فقط خوش بگذرونه

ANIME SAMA

اوهم!

شاید من باید از همون  
اول جلو شو می گرفتم.  
من واقعا متاسفم...



神泽

Unavailable

Limited emergency service.

**快看!** 快看漫画独家

主笔: Djade

编剧: KRE

责编: 半月

بعضیا می گن، همیشه به این روستا، روستای سنگی نمیگفتن.

از اون موقع که یه سنگ از آسمون افتاد - حدود صد سال پیش - افسانه هایی که میگفتن اینجا مکان خدا و روح هاست، شروع شد.

ام... نباید باتریشو نگهداری...؟

نگران این نباش، میتونم با نور خورشید شارژش کنم.

همه ی این حرفا راجع به خدا و روح ها، مطمئن نیستم که درسته یا نه...

تو واقعا اهل اینجا نیستی؟

AKEME SAMA



نه، من اومدم اینجا تا  
فامیلانو ببینم.

الان اون سنگه  
کجاست؟

چرا فقط نکفت اثرش خورشیدی...

این آدم به طور عجیبی حرف می زنه



من تا حالا اون  
سنگو ندیدم!

می تونه فقط یه افسانه  
مثل فیلافنگ باشه

快看! 快看漫画

\*فیلافنگ به افسانه ی بودایی درباره ی به قله ی پرندس

فکر کنم خودم باید پیدااش کنم...



بیا اول یه چیزی  
بخوریم.

ممنون، ولی گشتم  
نیست



عا راستی، اون  
آدمی که همین  
الان دیدم،

همونی که نداشتی  
نزدیکش بشم...

...می شناسیش؟



درباره ی چی  
حرف می زنی؟

مگه اون یه  
**هیولا** نبود؟

یه هیولا؟



موهانش

چشمایش

اون شاخای روی سرش

اگه هیولا نیست پس چیه؟

وایسا بینم نکنه..



ها؟

تو جذب نگاش شدی نه؟



من هیچ خدایی توی روستای سنگی ندیدم،

موجودات عجیب غریب که دیگه اصلا

پس تو باید از هر آدم و حیوان غیر معمولی دور بشی، حتی اگه مهربون به نظر برسه



باشه.

برگشتم.

مهربون من آشنا

بفاطر مهرشه یا رفارش؟

مهربونم که قبلا جایه ندیدهشم؟

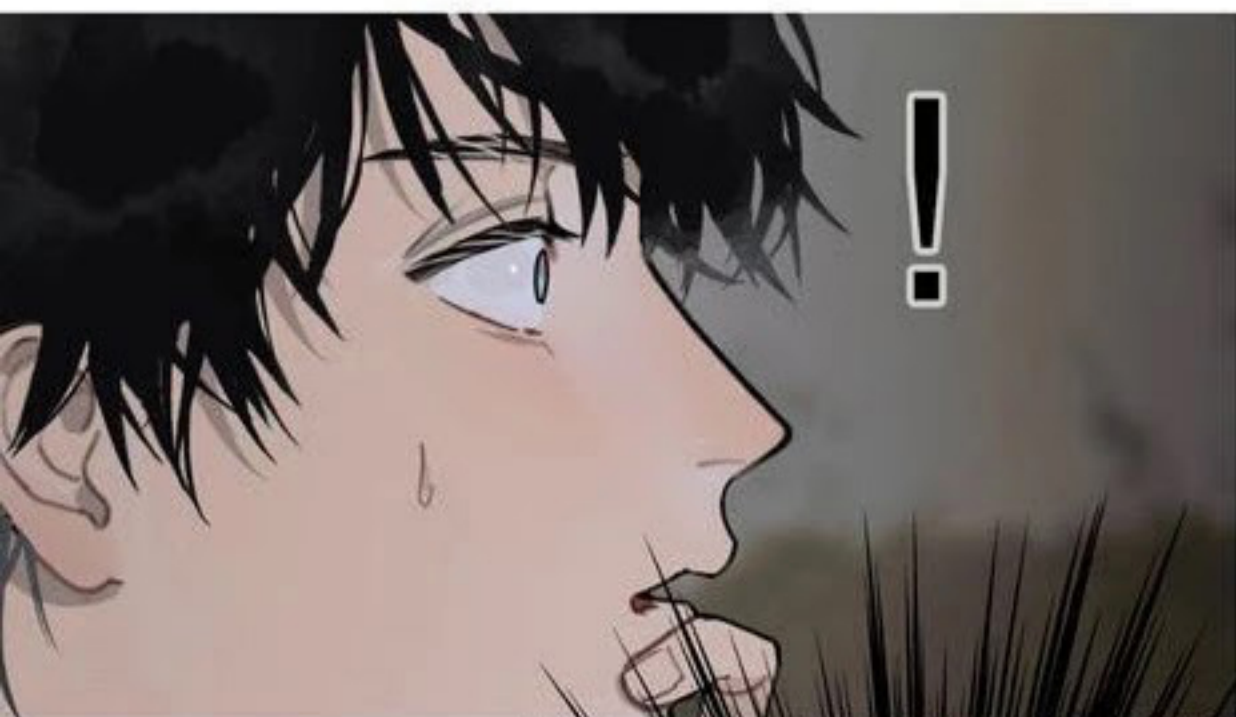
من اول برای پیدا کردن  
راهی می‌رم بیرون

مثل این که همه با این اتفاق پیش بین شده.  
از اون سنگ شروع شد.

ولی نه بابا نه دوستاش ننویسن  
منم بعد به ماه پیداش کنن...







මම යාපන ගමන ගමන කියම!

ඔබට එයට පාඩමක් ලෙසට පෙන්වමු  
එහි අර්ථය පෙන්වමු

ඔබට පෙන්වමු ඔබට පෙන්වමු  
එහි අර්ථය පෙන්වමු

ANIME SAMA

ඔබට පෙන්වමු

ඔබට පෙන්වමු  
එහි අර්ථය පෙන්වමු





یعنی اتفاقیه؟

بهد حسه که اینا بوقه در نظر  
گرفتن صورتش، هنوزم به حس  
عجیب آشنایی دارم.



چرا اینجا خونیه؟



فوقه؟

اوه این کاره کرده؟

تو کی هستی؟!

چرا دنبالم میکنی؟



...یعنی قبلا  
اینجا بودی؟!



اوه چه فرقی...



اوه یا تفاوتی  
سایه به سایه بود؟



اینها یعنی تفاوتی...



هی! وایسا!

اینجا تفاوتی! تفاوتی  
سایه به سایه بود؟





داری چی کار  
می کنی؟



والیییی!!



یهویی از نا کجا آبادپیدات  
شد...دارم سعی می کنم یه  
راهی به بیرون پیدا کنم

اوا ترسوندمت؟

بخشید، بخشید



دیدم اینجا زانو زدی...

نگران شدم که نکنه دوباره با  
اون هیولا رو به رو شده  
باشی. تو که ندیدیش ، نه؟

نه.

...امیدوارم زیادی  
بی ادبی نباشه که  
ازت یه چیزی بخوام



لطفا دیگه این طوری  
لبخند نزن

اوه ای لبت  
نکنه ازت یه چیزی بخوام

لطفاً که واقعا راهی بیرون پیدا کنی!



!!!



آشنا بودن لبخند این آدم



حالا عیبی نداره

نگو که این به خاطر بلوغه  
که حواست همش پیش  
اون هیولا هست؟

و این کاره‌ها رو برات می‌کنیم  
اینجا کاره‌ها رو

چی داری میگی...

از گنجینه با ما؟



ANIME SAMA



به نظر میاد ما به  
تجهیزات نیاز داریم

قبل از این که اون  
هیولا برگرد



بیا برگردیم!

ANIME SAMA



